تمریق

تبق بفتح تا وکسر همزه پرشده از غضب تنویق خشم نیکو کردن و تیز نگریستن
تخلیق نیک سوختن و تیز نگریستن تخاذیق بذال معجمه دعوی زیرکی کردن
تحریق نیک سوختن و آموزانیدن تحقیق درست و راست کردن تحقق
درست شدن تحلیق نیک ستردن و بلند تر رفتن مرغ در هوا و بشکل حلقه
داغ کردن ستور تحلّق حلقه نشستن مردم تحویق نیک دریدن تخلّق
دروغ بافتن و خوی گرفتن و خوشبوی شدن تخلیق مالیدن بوی
خوش و زعفران بر بدن و درست خلقت گردانیدن چیزرا تدقیق باریک
کردن و نیکو گرفتن و آرد نرم کردن تدنیق نیک نگریستن در کاری و استقصا
کردن و نزدیک شدن آفتاب بغروب و فرو شدن چشم بمغاک و سست
نگریستن تذلیق تیز کردن طرف و کنار هر چیزی توفیق تنگ کردن و بنده
کردن و نیکو کردن سخن را ترویق فرو هشتن رتب تاریکی را و پالودن
شراب را و پرده در سقف خانه کشیدن چنانکه سقف پوشیده شود تریاق
بالکسر معجونیست معروف که آنرا تریاق فاروق و تریاک گویند و بفارسی
پازهر گویند تزویق آراستن و درست کردن کتاب و نقش کردن بسیمات
و بمعنی نقش کردن مطلق نیز آمده ازینجهت هر چیز منقش را مزوّق گویند
و نقاش را مزوّق بکسر واو تسابق بر یکدیگر پیشی گرفتن تشریق سوی
مشرق رفتن و قدید کردن گوشت تشقیق سخن را نیکو بر آوردن آوردن
و بهم زدن و جز آن شکافتن تشقّق شکافته شدن تشویق بآرزو در آوردن
کسی را تشوّق آرزومندی نمودن تصدیق راست گوی داشتن و صدقه
گرفتن تصدّق صدقه کردن تصادق با یکدیگر راست شدن در دوستی
و سخن تصفیق دست بر هم زدن و جنبانیدن باد درخت راه شراب

ازنظری

التوفیق الاستطاعة بامر الخیر ۱۲
توفیق دست دادن کسی را بکاری
شیخ عبد الحق ره

ازنظری کردن و ستور را از چراگاهی بچراگاهی گردانیدن تضلیق تنگ کردن و
تنگ بر گرفتن بر کسی تضیّق تنگ شدن تضایق بر هم گرفتن تنگ شدن و در
یکجا نگنجیدن تطبیق دست در میان دو ران نهادن در رکوع چنانکه
مذهب ابن مسعود است و بر پیوند رسیدن شمشیر بوقت زدن و جدا شدن
آن و بسم بر سم نهادن اسب در رفتن و دویدن تطابق اتفاق کردن
تطبّق تو بر تو شدن تطرّق راه کردن تطلیق رها کردن زن تطویق
طوق در گردن و تکلف کردن بچیزی و توانا کردن و فرمان بردار کردن
تطوّق طوق در گردن خود کردن تعلیق در آویختن چیزرا تعلّق بچیزی
در آویختن تعمیق مغاک کردن و دور اندیشیدن در کار تعمّق بکنه
چیزی رسیدن تعویق باز داشتن تعوّق باز ایستادن تغلیق در
بستن تفریق پراکنده کردن تفرّق پراکنده شدن تفسیق فاسق
خواندن تفوّق برتری نمودن و نیز خوردن شتر بچه تلاحق بهمدگر
پیوستن تلفیق بهم آوردن دو در زود و سخن تلاق بهمدگر ملاقات
کردن در اصل تلاقی بود و یوم التلاق روز قیامت است تمزیق سخت
دریدن تمزّق دریده شدن تملّق چاپلوسی کردن تنسیق نظم و ترتیب
دادن تنمیق آراستن کتاب بکتابت توق بالفتح آرزومند شدن توثیق نیق
استوار کردن و معتمد داشتن توفیق دست دادن و مدد کردن کسی را بکاری
توافق باهم یکی شدن القاف مع الکاف تبرّک مبارک شمردن تبارک بلند
شدن و پاک گشتن و زیاده شدن تبتیک بریدن قال الله تعالی ولیبتکن آذان
الانعام تبوک بالفتح نام موضعیست که در آنجا حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وسلم
بجنگ کفار رفته بودند تحریک جنبانیدن تحرّک جنبیدن تدارک دریافتن